

زنان در شاهنامه

دکتر جلال خالقی مطلق

ترجمه ی

دکتر احمد به خطیر



انتشارات فروزیه

سرشناسه	خالقی مطلق، جلال، ۱۳۱۶ -
عنوان قراردادی	شاهنامه. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	زنان در شاهنامه / جلال خالقی مطلق؛ ترجمه‌ی احمد بی نظیر.
مشخصات نشر	تهران: مروارید، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۰۵ص.
شابک	978-964-191-420-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.	
یادداشت	عنوان اصلی: Women in the Shahnameh: their history and social status within the framework of ancient and medieval sources, 2012.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ق. شاهنامه -- شخصیت‌ها -- زنان
موضوع	زنان در ادبیات
موضوع	سفر فارسی -- قرن ۴ق. تاریخ و نقد
شناسه افزوده	احمد، ۱۳۱۵ - مترجم
شناسه افزوده	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ق. شاهنامه. برگزیده. شرح
رده‌بندی کنگره	۴۹۳۹۴ PIR ۴۴۹۶
رده‌بندی دیوینی	۱۱/۱۱۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۳۰۵۶۹



مروارید

تهران خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، ۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵

۶۴۸۴۶۱۲ - تلفن ۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۱۰۰۰۴۶ - ۶۴۰۰۰۲۲

<http://telegram.me/morvaridpub> <https://instagram.com/morvaridpub>

www.morvarid-pub.com

زنان در شاهنامه

دکتر جلال خالقی مطلق

ترجمه‌ی دکتر احمد بی نظیر

تولید فنی: الناز ایللی

چاپ اول ۱۳۹۵

حروفنگاری علم‌روز

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: طیف نگار

تیراژ ۱۱۰۰

حق چاپ و نشر برای مروارید محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۲۰-۴ ISBN 978-964-191-420-4

۲۰۰۰۰ ریال

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	آرمیتی (Armiti)
۱۱	دینا (Daēnā)
۱۱	آناهیتا
۱۶	آگه دویثره، ماده دیرچ، زخم (یشت ۸/۳)
۲۵	فصل اول - زنان نژاده (اشرفی)
۲۷	ارنواز و شهرناز
۲۹	فرانک (فرانک)
۳۱	آرزو، ماه آزاده خوی و ساهی (دختران سرویمن)
۳۲	ماه آفرید و دخترش
۳۳	رودابه و مادرش، سین دخت
۴۲	مادر سیاوش
۴۳	سودابه
۴۸	تهمینه
۵۲	گُرد آفرید
۵۴	فرنگیس، قریره، و گلشهر
۵۹	اسپانو (ی)
۶۰	منیژه
۶۵	کتابیون
۷۱	همای و به آفرید

۷۲	همای چهرزاد
۷۵	گلنار
۷۶	گُردیه، شیرین، و مریم (زنان خسرو پرویز)
۸۷	پوران دخت (بوران)
۹۰	آذر مدخت
۹۳	فصل دوم - زنان غیراشرافی
۹۳	پیشگفتار
۹۴	خدمتکاران - بردگان (به نام پرستنده، کنیز، کنیزک، و پرستار)
۹۵	زنان ساقی (میستار)
۹۵	نوازندگان، نغمه پردازان، خنیاگران، رامشگران، و غیره)، و رقصدگان
۹۹	دایه، مادر رضاعی، آموزگار
۱۰۲	نمونه‌های ویژه از زنان غیراشرافی
۱۰۵	فصل سوم - جایگاه دختر در خانه و اولین
۱۰۵	تحقیق و تحسین جنس مؤنث
۱۰۸	نامگذاری
۱۱۱	آموزش و پرورش
۱۱۹	فصل چهارم - مراسم عروسی
۱۱۹	ازدواج به عنوان یک ضرورت یا کردار مذهبی
۱۱۹	انگیزه و هدف از ازدواج
۱۲۱	شرایط ازدواج
۱۲۱	سن
۱۲۲	اجازه‌ی پدر و انتخاب شخصی دختر
۱۲۴	مذهب
۱۲۵	جایگاه اجتماعی و دارایی
۱۲۶	شرایط دیگر: اخلاق نیک، بکارت، باروری، زیبایی

۱۲۹	تشریفات عروسی
۱۲۹	خواستگاری
۱۳۲	کارهای تشریفاتی
۱۳۴	مراسم عروسی
۱۳۹	طلاق

فصل پنجم - گونه‌های مختلف ازدواج

۱۴۱	نشانه‌های مادر سالاری
۱۴۳	تعدد زوجه (چندزنی، چندشوهری، ازدواج موقت)
۱۴۳	در آن خانه که کدبانو بود دوهمه ترتیب و پاکی بگسلد زو
۱۴۹	تمایز طبقاتی چون از اج
۱۵۱	درون همسری، بر همسری، همسری با خویشاوند نزدیک، زنا با محرم

فصل ششم - جایگاه زوجه در ازدواج

۱۵۷	روابط میان افراد و وظایف مشترک در درون خانه
۱۵۷	میان زن و شوهر
۱۵۹	روابط میان والدین و فرزندان
۱۶۵	روابط جنسی میان همسران
۱۶۵	پرهیز و میانه‌روی در روابط جنسی
۱۶۸	ممنوعیت روابط جنسی در زمان‌های معین
۱۶۸	منع روابط جنسی میان اشخاص معین
۱۷۰	زن به عنوان زاینده و زائو
۱۷۵	سقط جنین
۱۷۵	هنگام تولد بچه و پس از آن

فصل هفتم - جایگاه زنان در جامعه

۱۷۷	بدرفتاری با زنان
۱۷۷	زن به عنوان مظهر همه‌ی فتنه‌ها

۱۷۹		ربودن زنان
۱۸۲		رفتار شایسته با زنان
۱۸۳		شغل های زنان
۱۸۳		درجه ی اشتغال زنان طبقات بالا در فعالیت های اجتماعی
۱۸۴		فعالیت های تفریحی زنان طبقات بالاتر
۱۸۷		فعالیت های زنان طبقات پایین تر در درون و برون از خانه
۱۸۸		جامعه، زنان و از لحاظ ظاهر چگونه می خواست؟
۱۸۸		زیبایی دلن راه آرشی
۱۹۲		جاذبه ی جنسی زنان
۱۹۳		ابزار آرایش و مراقبت از بدن
۱۹۵		لباس و پوشاک
۲۰۰		جواهرآلات
۲۰۰		سنجاق های زینتی

پیشگفتار

در نظام زرتشتی می‌توان به سادگی از خدانشناسی سخن گفت.^۱ این نظام ساختار خانوادگی دارد. پدر این خانوار اهورا مزدا است و همه‌ی دیگر موجودات از او نشئت می‌گیرند. این امر ویژه در مورد اصطلاح Amesha Spentas یعنی فرزندان پسر و دختر^۲ او صادق است. نخست سخنی چند درباره‌ی خود اهورا مزدا: اهورا مزدا (سرور خردمند)^۳ والاترین خدا است او دانای همه دانش‌ها^۴ است، و یورش دیوها و مردمان را در گذشته و آینده می‌شناسد^۵، مابانگر ملکوت جهان هستی است.^۶ به گفته‌ی نیبرگ (Nyberg)، در اندرون جامعه گائانی^۷، اهورا مزدانیای دوقلوها (نفس خوب و بد) است، که مقام آن‌ها در غرب، به ویژه در دوره‌ی ساسانیان، به وسیله زروان، خدای زمان بیکرانه^۸، پذیرفته شد. از این رو، زرتشتیسم، که در جامعه‌ی گاتیک «در محتوای اخلاق دیدگاه مخالفی متکی بر زمینه‌ی راهبانه» داشت،^۹ را از بات زردشتی دوره‌ی ساسانی به

1. J.D.-G., Sdp, p. 31; Schaefer, "Ein indogermanischer Liedtypus in den Gathas," in ZDMG 94/1940, p. 408. [Random House Dictionary, S.V. "theogony": a genealogical account of the Gods. N.P., editor.]

2. J.D.-G., Sdp, p. 31; Widengren, Die Religionen Irans, p. 11 ff.

3. OP Ahura: ma: fāh, MP Ōrmazd, later Hormazd, Harmizd, Ormazd; See Nyberg, RAI, p. 21.

4. Nyberg, RAI, p. 36.

5. Nyberg, RAI, s. 102; see also Yt. 29:4.

6. Nyberg, RAI, p. 101.

۷. [انجمن (یا جامعه‌ی) گاتیک انجمن ایرانیان باستان است که قدیمی‌ترین لایه اوستا یعنی گات‌ها را اجرا می‌کردند. این جامعه معادل ایرانی جامعه ودیک (Vedic) در فرهنگ هندی زمان باستان است. محمودامید سالار.]

8. Nyberg, RAI, p. 95 ff; Widengren, Iranische Geisteswelt, p. 56.

9. Nyberg, RAI, p. 106. Quote: "eine gegensätzliche perspective ethischen inhalts auf einem monistrischen Hintergrund."

یک دونالیسم فیزیکی^۱ منجر گشت. در نظام اجتماعی گاهانی اهورا مزدا در نبرد با انگره مینو (Angra Mainya) و جهان متعلق به او شرکت نمی‌کند. این نبرد به وسیله‌ی آفریده‌های او، یعنی دو قلوهای نخستین، وهومنو (نفس نیک) و انگره مینو (نفس بد) انجام می‌گیرد. چون این دو نفس (روان) اند که زندگی و نازندگی را آفریدند.^۲ اهورا مزدا خود بر فراز و در وراء دو نیروی مخالف نیک و بد قرار دارد. او خود آفریننده‌ی این اضداد است، ولی ضدیت‌گرایی آن‌ها کار او نیست.^۳ مقام او در میان ایرانیان باختری به ویژه در زمان ساسانیان کاملاً متفاوت است. در این زمان مقام او یک درجه پایین‌تر آورده شده است و اریه عنوان سرکرده شش امشا سپند (Amesha Spenta) مستقیم به نبرد علیه جهان انگره مینو و نیروی او می‌پردازد. سلسله مراتب امشا سپندان بدین قرار است: در بالاترین نقطه، چنان که گفته شد، اهورا مزدا قرار دارد و به دنبال او به ترتیب وهومنو، آشه، خشته، آرمشتی، هئروتات و آمشوات.^۴ در حیطه‌ی شاهنامه تنها یک جا هست، و آن هم در داستان «بیژن و منیژه» که در اینجا این ذات‌ها به همین ترتیب ذکر شده و تا حدودی از وظایف آن‌ها سخن رفته است. در اینجا رستم در ستایش خود از کیخسرو، امشا سپندان را به نگهبانی از پادشاه فرا می‌خواند به ترتیب زیر: هُرمزد (اُرمزد، اهوره مزدا، نگاه کنید به صفحه ۱، بند ۳) بهمن (وهومنو)، اردبشت (آشه)، شهریور (خشته)، سپندارمذ (آرمشتی)، خرداد (هئروتات) و مرداد (آمشتات).^۵ برخی از این خدایان، چنان که پیشتر اشاره شد، پسران و دختران اهوره مزدا هستند. پسران پسران او آشه (نظام راستی و داد)،^۶ سپننه مینو،^۷ وهومنو (اندیشه‌ی نیک)،^۸ و شاید هئروتات (تندرستی)^۹ و خشته^{۱۰} و سپس تر سروشه (پرورش) و میثره (بست) (۱۶/۱). دختران او عبارتند از آرمشتی و سپس تر آشی. از آنجا که این دو تن آخر و چند ایردبانوی دیگر برای پژوهش ما حائز اهمیت‌اند، در زیر به آن‌ها می‌پردازیم.

1. Nyberg, RAI, p. 105. Quote: "physischen Dualismus."

2. Nyberg, RAI, p. 102 ff.

3. Nyberg, RAI, p. 105.

4. J.D.-G, sdp, 28 f.

۶. نک: ۴۷:۲ یسنا

۵. نک: ش. ۷۷۴-۷۶۶/۱۳d

۸. نک: ۳۱:۸ یسنا و ۴۵:۴

۷. نک: ۴۷:۴ یسنا

9. J.D.-G, sdp, p. 27, 31.

10. J.D.-G, sdp, p. 27, 31.

آرمئتی (Armaiti)

به گزارش یسنا (۴۵/۴) آرمئتی دختر آهوره مزدا و خواهر و هومنه است. نامش را «پارسایی» و نیز «میان روی» ترجمه کرده‌اند. این ایزدبانو با زمین ارتباط نزدیک دارد و از این رو به نام ایزدبانوی زمین نیز شهرت دارد.

نیبرگ^۱ می‌نویسد: «آرمئتی به عنوان یک شخصیت همگانی نسل چوپانان دریافت می‌گردد، به همراه مردمانش، چارپایانش، زمینش، چراگاه‌هایش و فرآورده‌های طبیعی‌اش از این رو می‌توان پی برد که چرا آرمئتی ایزدبانوی زمین است. البته منظور از زمین تنها یک پدیده‌ی جسمانی یا جغرافیایی نیست، بلکه زمین به عنوان جایگاه و پیش‌فرض زندگانی، قبیله‌ای و به عنوان بخشی از خود قبیله است.» این ایزدبانو به آشه ایزد راستی داد (یسنا ۶/۴۴، ۱۶، ۱۱) و آشی ایزدبانوی باروری (Goddess of Fertility) یسنا ۱۳۱) نیز می‌باشد. از آرمئتی «غالباً به گونه‌ای همراه با ایزدان بزرگ یاد می‌شود که گویی با آن‌ها اکالایب»^۲ است. پیش از این آمد که آرمئتی خواهر و هومنه است. از آخرین سرود گاهان^۳ می‌دانیم که درباره‌ی رویدادی از زندگی زرتشت است، یعنی پیوند جوان‌ترین دختر او به نام پورپیستا با جاماسپه، مطلب دیگری درباره‌ی آرمئتی به دست می‌آید و آن این که آرمئتی از هومنه نیز به عنوان عروس^۴ و داماد معرفی می‌شوند. بدین ترتیب ارتباط میان آسمان و زمین استوارتر می‌گردد. با این همه، اهمیت آرمئتی به همین جا ختم نمی‌شود. وی به عنوان «پیش‌ماد» نخستین زوج انسانی است. سپس تر باز هم در این باره سخن خواهیم گفت.

و اما در ایران اسلامی، آن‌چه از عملکرد باستانی این ایزدبانو بازمانده است، تنها همین است که پنجمین روز ماه و نیز دوازدهمین ماه سال به نام او سنرمزد (در تقویم امروز اسفند) نامیده شده است. این امر در مورد شاهنامه نیز صادق است (۲۵۵۵/۴۳: ۱/۵)، ولی در این کتاب جایی هست (۷۷۱/۱۳) که این ایزدبانو با آرمئتی باستانی یکسان است، زیرا که در آنجا او به عنوان یک ایزد و یا دقیق‌تر به عنوان یک فرشته‌ی نگهبان شناخته شده است.

1. Nyberg, RAI, p. 112.

2. Nyberg, RAI, p. 111.

3. Nyberg, RAI, p. 132.

آشی: به معنی «بخت خوش»^۱، «مزد»^۲ یا «سرنوشت، نجات»^۳ است. این ایزدبانو از نزدیکان آرمَنتی است (یسنا ۴/۳۱) و یشت هفدهم در ستایش اوست، به گزارش همین یشت دختر آهوره مزدا و آرمَنتی است و سرنوشت، رَشنو و میثره برادران او هستند.

قطعه‌ای که درباره‌ی او نوشته شده چنین است: «پدر تو سرور دانا (آهوره مزدا)، والاترین همه‌ی خدایان است. مادر تو پارسایی مقدس و فداکار و برادران تو فرمانبردار پارسا و نیکو رَشوی نیرومند، و میثره با نفوذ بسیار، آن‌که هزار گوش و هزار چشم دارد، و خواهر تو دِن مزد یسنا»^۴ کارکرد این ایزدبانو دوسویه است: نخست پاداش می‌دهد و مجازات می‌کند. به عنوان کن‌خواه او خشونت و بدذاتی نشان نمی‌دهد، بلکه در موارد ابهام دارای شأن و عدالت یک‌داور آسمانی^۵ است.

دیگر این‌که، او ایزدبانوی باروری است. او ثروت، برکت و رفاه می‌بخشد (صص. ۹-۱۱)، دختران و پسرای که به سن ازدواج رسیده‌اند از دعای خیر او برخوردارند (صص. ۹-۱۱)، در عالی‌کودکان و بزرگسالان راهی بدوند دارند (صص. ۵۴-۵۸). «او به زنان، زیبایی، خوش بختی و خواسته می‌بخشد و از طریق آن‌ها خانه را غرق در برکت می‌نماید»^۶.

جانوران نیز در زمان باروری از حمایت او برخوردار می‌شوند. او ایزدبانوی زیبا است (صص. ۱، ۴، ۲۳ و غیره) و از این جهت و جهات دیگر می‌توان او را با آناهیتا مقایسه کرد. او به مردان نامبرده در زیر که از او استعانت جستجاری می‌نماید: هوشیوه (Haushyaha) پَر داته (صص. ۲۴-۲۶؛ ش. هوشنگ، یم، صص. ۲۸-۳۱؛ ش. جمشید)، ثرئیتونه (صص. ۳۳-۳۵؛ ش. فریدون)، هلومه برادر خسرو، پسر و کین‌خواه سیاورشن (صص. ۳۳-۳۵؛ ش. کیخسرو و سیاورشن)، زرتشت (صص. ۴۵-۴۷) و شاه و یشتاسیه (صص. ۴۹-۵۲؛ ش. گشتاسپ).

1. J.D.-G. sdp, p. 32.

2. Nyberg, RAI, p. 111.

3. Lommel, Die Yasht's [original trans Yasht's], p. 158.

4. Yt. 17: 16, cited after Lommel's translation.

5. Lommel, Die Yasht's, p. 185.

6. Nyberg, RAI, p. 66.

دَینا (Daēnā)

به روایت نیبرگ^۱، نام او به معنی «حش بینا» یا «روان بینا» است، یعنی «نیرو یا بخشی از روان انسان که در بینش دینی به کار می‌افتد». وی در چندین جا از گاهان آمده است. در باورداشت‌های اوستای متأخر دَئنه اهمیت اخروی بیشتری به دست می‌آورد. آگاهی ما در این باره از دو مأخذ است، از یکی از نسک‌های از دست رفته به نام هَدوخت نسک (Hadōkht Nask) که بیستمین کتاب اوستا بود، و دیگر از متن پارسی میانه مینوی خرد (فصل ۲، بند ۱۹۴-۱۱۰).^۲ در هَدوخت نسک، که پاره نوشته‌هایی از آن در اوستا بر جای مانده، برخی از مسائل آخری مورد بحث قرار گرفته است.^۳

براساس باورداشت‌های ایرانی، روان مردگان تا سه شبانه روز با جسد همراه می‌ماند و در بامدادان روان چهارم از آن جدا می‌شود. سپس میان روان و مَن او به نام دَینا (به معنی خود)^۴ ملاقاتی صورت می‌گیرد. به گزارش هَدوخت نسک «دینای نیک به صورت دختری دوشیزه و زیبارو پادشاه (سن دلخواه ایرانی) پدیدار می‌گردد که با روان یا نفس، همانند داماد با عروس می‌شود».^۵ در اینجا باید یادآور شد که این گزارش روشن می‌سازد که معیار زیبایی نسک را ایرانی‌ها زن بوده است. نه تنها پیروان آشه، بلکه پیروان دَئنه نیز دارای یک دَینا هستند، لیکن بدسرشت و زشت است.^۶ در مینوی خرد (فصل ۲، بند ۱۷۰-۱۶۷)^۷ دَینای خبیث برعکس دَینای نیک به چهره‌ی زنی بد هیبت و منفور پدیدار می‌گردد.

آناهیتا

آناهیتا که نام کامل او آردووی سوره آناهیتا است، یکی دیگر از ایزدبانوان است. یشت پنجم اوستا، «اردویت سوریشْت» که در کتاب‌های ستی هم چنین آبان یشت^۸ نامیده می‌شود، ویژه‌ی این ایزدبانو است. وی در آموزه‌های زرتشت نیست، ولی به گونه‌ای کاملاً

1. Nyberg, RAI, p. 114 ff.

۲. برای اطلاع بیشتر نک: داتستان دیک جلد ۲۴ صص. ۹۵-۹۲.

۳. نک: ایران‌شناسی ۱۹۹۷؛ شماره ۴، ص. ۷۱۵، یادداشت ۴.

4. Widengren, Iranische Geisteswelt, p. 169. 5. Widengren, Iranische Geisteswelt, p. 170.

۶. نک: ۲:۲۵؛ ۳:۲۰، نیبرگ RAI ص. ۱۱۶. ۷. آبان = آب.

ناشناخته به درون دیانت اوستایی راه یافته است.^۱ عقیده‌ای که از سوی کریستن سن^۲ ابراز شده و بیشتر قبول عام یافته برای این است که میهن آناهیتا و یشت او غرب ایران است و پرستش او در زیر نفوذ کیش ایستر رواج یافته است.^۳ دیگر پژوهندگان، از جمله نیبرگ، آناهیتا را ایزدبانویی متعلق به شرق می‌دانند. نیبرگ آناهیتا را ایزدبانوی تورها و نوذریان می‌داند.^۴ به عقیده‌ی نیبرگ دو ایزدبانو وجود داشت، یکی آشی، «آفرودیت آریاهای میشره پرستر که در ناحیه‌ی مرو آمودریا زندگی می‌کردند»^۵ و دیگر آرده وی سوره آناهیتا (آفرودیت) «تورانیان باشند در کناره‌ی سیردریا».^۶ میان این دو ایزدبانو رقابت بود: آن‌ها ایزدبانوی باروری بودند با خوی جنگاوری. این تلاش که در میان تورانیان ایزدبانوی آشی را جای آنهیتا بنشانند با واکنش نوذریان و تورها روبه‌رو گردید و ناکام ماند.^۷

سرانجام، پیروان میشره، وفق آنچه دند که تیره‌ی تورانی فریانه را به آئین میشره درآوردند، از این راه که ایزدبانو آناهیتا در جامعه‌ی میشره پرستان پذیرفتند، بدین صورت که میشره با ایزدبانو آناهیتا صلح کرد.^۸ بدین سان ایزدبانوی آناهیتا مقام آشی را به‌سپرده گرفت و به تدریج با دیانت زرتشت به غرب راه یافت. از آن پس، او نخست در میان هئامنشیان و آن‌گاه ساسانیان چنان مقامی پیدا کرد که شهرتش به خارج از کشور نیز باقیات. کارکردهای آناهیتا از این قرارند: او نگهبان آبهاست (یشت ۱/۵)؛ نطفه‌ی مردان را آماده می‌سازد و زادن همه‌ی موجودات ماده را آسان می‌سازد (یشت ۲/۵)؛ در پستان همه‌ی موجودات ماده به هنگام شیر می‌آورد (یشت ۲/۵) و غیره. کوتاه سخن: او ایزدبانوی باروری است گذشته از این، او ایزدبانویی بسیار زیبا نیز هست، و از این رو او را با ایزدبانوهای دیگر هم چون آرتیمیس، آتیه و به ویژه با آفرودیت - ایستر^۹ مقایسه کرده‌اند. او ایزدبانوی عشق و

1. Lommel, Die Yašt, p. 27.

2. Christensen, Etudes sur le Zoroastrism p. 10 ff. p. 34 ff.; Christensen, les Keyanides, p. 10 ff.

۳. این امر در مورد هردوت نیز صادق است (1, 131).

۴. نک: نیبرگ، ص. RAI ۲۶۲.

۵. نک: نیبرگ، ص. RAI ۲۶۲.

۶. نک: نیبرگ، صص. RAI ۲۶۰-۲۶۲.

۷. نک: نیبرگ، ص. RAI ۲۶۳.

۸. نک: کریستن سن، ص. Die Iranier ۲۲۹.

۹. نک: نیبرگ، ص. RAI ۳۰۱.

زیبایی به شمار می‌رفت (نک: هم‌چنین صص. ۱۰۵، ۱۶۹ و ۱۷۱) تا بدان‌جا که در مناسک او زنان خود را تسلیم مردان می‌نمودند.^۱ صورت پارسی میانه نام او آناهید (فارسی: ناهید) به ندرت به جای آناهیتا به کار برده شده است، بلکه بیشتر برای سیاره ونوس.^۲ در شاهنامه نیز، او غالباً به نام ناهید و برای سیاره ونوس یا زهره آمده است و تنها یک بار نقش ایزدی دارد.^۳ گذشته از ایزدانوان نامبرده در بالا، ایزدانوهای دیگری نیز می‌شناسیم، همچون ایزدانوی آدا (انتقام)^۴ که مقابل آرمئتی است. دیگر ایزدانوی چیستی یا چیستا (نیروی بینایی)^۵ که مقابل دئنه است. چیستا و رشنو میثره را همراهی می‌کنند، نه ستین در سوی راست و دومی در جامه‌ی سپید در سوی چپ.^۶

دیگر ایزدانوی پاردی («فراوانی») به عقیده‌ی نیبرگ یک ایزدانوی باروری بود که در کنار آسمی در جامه‌ی بن میترائیسم پرستش می‌شدند.^۷ از جمله ایزدانوی آمه («نیرو») خوش‌اندام در جامه‌ی میترائیسم^۸؛ آهورامی ایزدانوی آب‌ها.^۹ در یسنا هیلپاتی (یسنا ۴۲-۵۰) به شمار چند از ایزدان زن برخورد می‌کنیم، همچون ایزا، یثوشتی، فرشتی («رای‌زنی») پیش‌آوتی، فرستنی («آوازه‌ی نیک») و غیره.

درباره‌ی تولد دوقلوها، در زروانسم اسطوره‌های چندی وجود داشت. به موجب یکی از آن‌ها، زروان دوجنسه نیست بلکه مردان زن است، و نام او خواشیزگ، «زیبای کوچک» است.^{۱۱} سکائی‌ها به گزارش هرودت داران خدایان زیر بودند: بُریستیس، همسر خدای آسمان‌ها، پاپایوس، و مادر تارگیتا.^{۱۲} ستین انسان و نیای سکاها؛ دیگر

۱. نک: «استرابو، جغرافی‌نویس معروف، از این آئین دینی روایت می‌کند که سیاحتان سطح بالا خود را در احترام به آناهیتا به فاحشگی سپردند.» نقل قول از ویدن‌گرن.

Iranisch Geistes, p. 129; for more on this aspect, see Widengren, Die Religionen Irans, p. 179. همچنین نک: خالقی مطلق «مردگیان» ایران‌شناسی ۳/۱۳۸۴، صص. ۴۴۱-۴۳۵.

۲. نک: لومبل، Die Yash's, p. 28.

۳. نک: ش. ۶/۲۸ در چاپ Mohl: هم‌چنین نک ش. ۱۳۵/۹۱۷.

۴. نک: نیبرگ، صص. ۱۲۶-۱۱۱ RAI نک: نیبرگ، ص. ۱۱۸ RAI

۵. نک: نیبرگ، ص. ۱۱۸ ff. RAI و ۸۱ و یشت ۱۰/۱۲۶.

۶. نک: نیبرگ، یشت ۱۰/۱۲۶، ص. ۱۱۸ ff. RAI

۷. نک: نیبرگ، صص. ۷۴-۷۰ RAI

۸. نک: نیبرگ، ص. ۲۸۳ ff.

۹. نک: نیبرگ، ص. ۲۸۲.

آرگیم پاسا، آفرودیت آسمانی سکاها؛ دیگر تپی تی، ایزدبانوی اجاق؛ دیگر آپیا، ایزدبانوی زمین که همسر خدای آسمان است.

تنها در جهان آهوره مزدا، جهان روشنایی نیست که در کنار ایزدان مرد، شماری از ایزدان زن وجود دارند، بلکه در جهان انگره مینو، جهان تاریکی، نیز به شماری از ماده دیوان برمی خوریم. ولی باید یادآور شد که آفریده های انگره مینو بیشتر نرزه دیواند. این امر به ویژه در مورد دیوهای ردیف اول صادق است. البته جهان نیروهای ظلمت آن چنان به تفصیل توصیف شده اند که نیروهای جهان روشنایی. با این حال می توان از اهریمن یا انگره مینو و خریشاوندان او سخن گفت.^۱

نخست در باره اهریمن (یا انگره مینو گاهان): از دیدگاه زرتشت، او موجودی مفلوک و ضعیف به زمان زرتشتی محدود است. او هرچند با پیروان خود همه جا در مقابل آفرینش های نیکو آفرینش های بد را می شود تا به آن ها زیان رساند، ولی او با دانش محدود خود رقیبی برابر سرور دانی مطلق نیست. نبرد او علیه آمشاسپندان و ایزدان دیگری است که آهوره مزدا آفریده است. یکن او بعداً در کیش زروانیسم و به ویژه در میان مغان، نیروی بیشتری به دست می آورد. در کتاب بُندهش (فصل ۱) در ضمن گزارش درباره آفرینش جهان (آفرینش آسمانی و زمینی)، شرح بیشتری درباره اهریمن و دیوان و ستیزه های آن ها با اورمزد آمده است. تقریباً کامل آن از چارچوب کار ما بیرون است. در اینجا برای ما همین بس که بدانیم که چرا اهریمن دیوها را آفرید. اهریمن به مدت سه هزار سال در مکان خود در ظلمت به سر می برد. این آنکه چیزی از هستی اورمزد بداند. تا این که یک روز از ژرفای ظلمت بیرون خزید و رفت تا چشمش به روشنایی خورد، «او همین که روشنایی اورمزد را ناگرفتنی دید، سبب آن گشتن و سرنوشت پستی که داشت، یورشی به پیش کرد تا روشنایی را نابود سازد. اما چون دریافت که هستی فوقانی نیرومندتر و پیروزمندانه تر از اوست، این آفرینش ویرانگر و ستیزه گر به ظلمت خویش بازگشت و دیوان بسیاری را آفرید.»^۲

اهریمن، به عنوان دشمن آمشاسپندان که آفریده ی اورمزد بود، گماریکان را آفرید

۱. در بند هشت، فصل ۴ دیوها او را «پدر» می خوانند.

۲. متن آلمانی، ترجمه ویدن گرن "Iranische Gelsteswelt"، ص. ۵۹ ff.